

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ اگست ۲۰۲۱

ناتو و تکرار یک تکتیک کهنه انگلیس!؟

یکشنبه- ۱۰ اسد ۱۴۰۰- کابل: احتمالاً شما هم فکاهی روباهی را که در سایه شتر راه می رفت و متوهم شده بود که وی چقدر و به چه اندازه بزرگ است و نباید با آن بزرگی از گفتار و خرس هراسی داشته باشید، شنیده اید و به آن قسمت از آخر فکاهی که با بیرون شدن از سایه شتر جهت مقابله با خرس و گفتار و دیدن سایه اصلی خودش چه حالی به وی دست داد، نیز توجه نموده اید، هرگاه از حق نگذریم آن فکاهی در شرایط امروز و وضعیت "غنی احمدزی" و کلیت دولت پوشالی را نمایان می سازد.

دولت دست نشاندۀ که در تمام مدت بیست سال در سایه شتر ناتو و امپریالیسم امریکا و در پناه بمب افکنها و طیارات جنگی و راکت های کروز و نقطه زن و "مادر بمب ها" زندگانی و حرکت می نمود، طی این مدت بار ها اتفاق افتاد که دلقکان دست نشاندۀ "کرزی" و "غنی احمدزی" غریبه، به آدم و عالم خط و نشان کشیده، لاف از "همت افغانی: خویش زده اند.

در این میان توهمات و خیال پلوه های "غنی احمدزی" چرب تر بوده، خود را نه تنها ادامه دهنده راه "علیحضرت امان الله" و "سردار داوود" اعلام می داشت، بلکه بدش نمی آمد که وی را نزدیکانش تنها رهرو و ادامه دهنده نه، بلکه "امان الله ثانی" بنامند. در این جا به این نکته نمی پردازیم که چگونه این روباه لنگ و لاش که فقط از پس مانده و مدفوع اشغالگران حیانتش را تأمین نموده و سایه آنها را مال خود می دانست، پل های پشت سرش را تخریب نمود، آنچه در نگارش کنونی مطرح است درس آموزی از سیاست جنگی ناموفق "امان الله خان" در رویارویی با شورش ها و خیزش های ارتجاعی زمان خودش بود. سیاست های جنگی غلط و اشتباه آمیزی که سرانجام حاکمیتش به وسیله حدود سه صد نفر از هم پاشیده، خودش وادار به فرار و سپردن سلطنت به "امیر حبیب الله کلکانی" شد.

تاجائی که از مطالعه تاریخ آخرین ماه های حاکمیت "امان الله خان" بر می آید، وضعیت افغانستان در آنروز قسمی بوده که همه روزه در یکی از نقاط افغانستان، قومی، قبیله ای، خانی و دزدی سربلند نموده، دولت وقت را به مبارزه می طلبید، حاکمیت به جای آن که علت چنان خیزش ها و حرکات را درک نماید و به زدودن علل آن بپردازد و یا حد اقل به مردم محل و منطقه مراجعه نموده، ضمن شنیدن مشکلات مردم از آنها کمک طلب نماید، چند سربازی را که از پدر و پدرکلان برایش میراث مانده بود، امر حرکت بدان سمت داده، به زعم خودش می خواست "مگس مخالفت را با توپ قدرت سلطنت" زده سرکوب نماید. از آن جایی که اکثر آن خیزش ها و نا آرامی ها به مثابه بخشی از یک ستراتیژی

"بیرون کشیدن نیروهای نظامی از شهر کابل" بود و "امان الله" و اطرافیاناش یا قادر از درک آن ستراتیژی نبودند و یا خود به مثابه مهره ای جهت انجام آن ستراتیژی خدمت می نمودند، ظرف ۷ الی ۸ ماه، تمام نیروهای نظامی شهر کابل جهت جنگ به ولایات نا آرام، عمدتاً مناطقی که انگلیسها در آنجا ها چون جنوبی و مشرقی دست بالا داشتند، فرستاد. در چنین حالتی است که وقتی "حبیب الله کلکانی" با ۳۱۳ نفرش بر کابل تاختن آغاز نمود، به علاوه آن که ارتش و اردوئی در کنار "امان الله" نمانده بود تا از وی دفاع نماید، مردم هم چنان از کردار و اعمال "امان الله" رنجیده بودند و شاه هم چنان در غرور کاذب خاندانی اش غرق بود که نه مردم به کمکش شتافتند و نه هم خودش دست کمک به طرف شهریان کابل دراز نمود، نتیجه اش همان شد که همه خوانده ایم.

وقتی سیاست جنگی را که اینک پاکستان به مثابه جانشین و وارث بحق انگلیس به نمایندگی از کلیت ناتو و ارتجاع منطقه در روبروئی با حاکمیت مستعمراتی کنونی پیش گرفته، مشاهده می نمائیم تا حد زیادی دیده می شود که "غنی احمدزی" رابا توهماتش که خود را در لباس و جایگاه "امان الله خان" فرض می نمود، دقیقاً با همان تکنیک به همان سمتی می کشانند، که "امان الله خان" را کشانیده بودند. یعنی در هر گوشه و کنار افغانستان، بر حاکمیت فشار می آورد تا بدانجا سرباز و قواء اعزام دارد، یک روز در شمال، یک روز در جنوب و روز دیگر در ولایات با اهمیت غربی کشور. و با این تهاجمات و تحرکات دولت دست نشانده را که نه تنها تعلقی به مردم افغانستان ندارد بلکه روی و راه رفتن و مراجعه به مردم و از آنها کمک خواستن را نیز گم کرده است و یا هم اصلاً اراده دست یازیدن به چنان کاری را ندارد، وادار می سازد تا قطعات محدود جنگی اش را به مانند تخم اسپند در تمام مناطق پراکنده بسازند. هموطنان گرامی!

یکی از نتایج این سیاست جنگی غلط و تعمیل آن به جای مراجعه به مردم و استعانت جستن از نیروی لایزال توده ها، کابل را از نیروی دفاعی تخلیه نمودن می باشد و وقتی این سیاست به بار نشست واضح است که پاکستان در پوشش طالب، تهاجم گسترده و تباه کننده اش را بر شهر کابل آغاز نموده، کابل بی دفاع را از پای در خواهد آورد. هموطنان گرامی!

اگر نمی خواهید به مانند دوره های گذشته غافلگیر شوید و وقتی صبح از خواب بر می خیزید در کوچه و پس کوچه شهر تان پنجابی های ملبس به لباس طالب را ببینید، وقت را ضایع نسازید از همین اکنون، ایجاد کمیته های دفاع از خود را در کوچه، گذر و شهر، واجبتر از نماز های پنجگانه دانسته، به دور هم جمع و آن را ایجاد نمایند چه همان طوری که قبلاً نیز نگاشته ام ما در رقابت با زمان قرار گرفته ایم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!